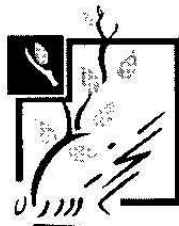


دسنگاه مختصات نشتنم: گام ۲

گروه مؤلفان تخته سیاه



عنوان و نام پدیدآور : دستگاه مختصات ششم: گام ۲/ گروه مولفان تخته سیاه.
مشخصات نشر : تهران: تخته سیاه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۷۲ ص: ۲۹×۲۲ س.م.
شابک : 978-600-406-251-0
وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر
شناسه افرد : انتشارات تخته سیاه
شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۴۶۹۸۳

دستگاه مختصات ششم: گام ۲

گروه مولفان تخته سیاه

انتشارات: تخته سیاه

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۶-۲۵۱-۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مقدمه ناشر

می‌دونم، کتاب خاطرات یک مَغ نوشته‌ی کوئیلو رو خوندید؟...

اگه نخوندین باید خدمتون عرض کنم که اولاً، ماجرای این کتاب واقعی و برای نویسنده این کتاب اتفاق افتاده و زندگی اونو متحول کرده و دوماً نویسنده‌ی این کتاب عضو یه فرقه‌ای به نام رام بوده که توی این فرقه با توجه به پیشرفتهای معنوی هر فرد به اون درجاتی داده می‌شه که اسم یکی از این درجه‌ها «مغ» بوده و سیمماً داستان از زمانی شروع می‌شه که به کوئیلو خبر می‌دن مفتخر به دریافت لقب «مغ» در فرقه‌ی رام شده و لازمه برای برگزاری مراسم مربوطه به غاری واقع در قله‌ی یه توه مراجعه کنه و اونجا طی مراسمی شمشیری رو از استادش تحویل بگیره و لقب مغ رو به دست بیار...

خلاصه در دستتون ندیدم، نویسنده که به غار می‌رسه در مقابل استادش می‌شین و استادش یک شمشیر رو در مقابل کوئیلو قرار می‌ده. می‌گه تو افتخار کسب عنوان مغ رو پیدا کردی و کوئیلو با خوشحالی شمشیر رو از دست استادش می‌گیره. اما استاد یکباره برافروخته می‌شه و می‌گه تو لایق کسب این عنوان نیستی، چون غرور به تو مستی شد و زود شمشیر رو گرفتی، بعد شمشیر رو از کوئیلو پس می‌گیره و به اون می‌گه اگه می‌خوای ثابت کنی که لیاقت دریافت این شمشیر رو داری باید برای اسپانیا و به کمک راهنمایی به نام پطروس یک جاده‌ی طولانی و قدیمی به نام جاده‌ی سانتیاگو را طی کنی و در طول این جاده مجدداً شمشیرت رو بدست کنی و «مغ» شی! و این طوری میشه که کوئیلو برنامه‌هاش رو جفت و جور می‌کنه و می‌ره جاده‌ی سانتیاگو....

در تمام طول سفر، کوئیلو مرتباً با وقایع و اتفاقات مختلفی مواجه می‌شه و هر بار به کمک پطروس به مشکلاتش فائق می‌یاد و درس جدیدی از زندگی رو به اندوخته‌هاش اضافه می‌کنه. درس مبارزه با ترس، مبارزه با مرگ و ... و در تمام طول سفر پطروس منتظر این بوده که کوئیلو به یک نکته‌ی اساسی و مهم پی ببره ولی متأسفانه کوئیلو فقط و فقط به دنبال شمشیرش بوده و به چیز دیگه‌ای بجز اون فکر نمی‌کرده و هر بار، در طول هر کدوم از مبارزه‌هایی که می‌کرده فقط به

فکر این بوده که شمشیر کجاست و آیا بعد از این مبارزه شمشیر رو پیدا می کنه یا نه، سفر کوئیلو چند ماه طول می کشه و نهایتاً در انتهای سفر و زمانی که شمشیر رو در دست می گیره متوجه می شه که اتفاق چندان مهمی رخ نداده و تازه به مهمترین نکته ی سفر پی بره....

کوئیلو متوجه می شه که هدف راه بوده نه شمشیر، اصل ماجرا این بوده که کوئیلو بیاد تو جاده ی سانتیاگو، مسیری طولانی رو طی کند و چیزهای مهمی رو یابد بگیره. چیزهایی که باعث شد کوئیلوی بعد از سفر، زمین تا آسمون با کوئیلوی قبل از سفر تفاوت پیدا کنه در واقع تو دست گرفتن اون شمشیر، ارزش چندان نداشته و نکته ی مهم آموزش های زمان سفر بوده ... و کوئیلو چقدر دیر این مطالب رو می فهمه....

آقا: به نظر شما ما قبل می شنیم...

- اگر امسال قبول نشدیم ...

- این همه درس می خونیم ... نیست آخرش چی می شه ...

این حرفها رو که می شنوم فکر می کنم آخه تا کی باید این قدر هدف گرا باشیم، یعنی فقط مهمه که تو بری دانشگاه مهم نیست چه جوری، مهم نیست تو این راه یکساله چه درسهایی از زندگی می گیری، این همه تجربه که پیدا می کنی، این همه تفاوت که تو زندگیت بوجود می یاد، همه و همهمش با قبول شدن یا نشدن تو ارزش پیدا می کند. نه در امت عزیز، تو هم تو اشتباهی، چشمهاتو باز کن، فقط دنبال شمشیرت نباش. هدف راهه، راه...

مهم اینه که تو چه جوری این یکساله ی تا کنکور تو طی می کنی، تو این مسیر یکساله چه چیزهایی یاد می گیری، چقدر تعالی پیدا می کنی و چقدر انسان تر می شی....

مهم فقط اون ۳ ساعت سر جلسه ی کنکور و نتیجه ی بعدش نیست اگه دوست داری تموم استرس های کنکور تو کنار بذاری اگر دوست داری با آرامش این مدت رو بگذرونی، باید باور کنی مهمترین نکته اینه که راهپیمایی قشنگی داشته باشی، مطمئن باش تو این راه یکساله اونقدر جا برای تغییر تو هست که ارزشش از قبولی تو هر رشته ای بیشتر باشه... مطمئن باش...